

مؤلفه های تجربه و دلالت ضمنی آنها برای نظامواره علوم انسانی اسلامی

ردیف	موضوع	دلالت های ضمنی
۱	خصائص عقلی، هیجانی، روانی و مزاجی فاعل شناسا	به اهمیت ژنتیک (نطفه پاک) و غنای محیطی اشاره دارد
۲	وجود ساختارهای فطری	به تفاوت انسان با سایر موجودات و قابلیت های بالقوه انسان اشاره دارد
۳	برخورد با واقعیت (محیط)	به اهمیت تعامل با واقعیت اشاره دارد و این که حل چالش های موجود در محیط به بسط توانایی های انسان می انجامد و باید به استقبال آنها رفت و آگاه بود که اتفاقات در محیط هم ربوبیت می شوند تا انسان را به سرمنزل مقصود برسانند
۴	مدیریت تجارب	به این که برخی تجارب رهزن و برخی دیگر سازنده هستند و اگر قرار است اشتداد جوهری حداکثری در انسان رخ دهد باید این تجارب مدیریت شوند
۵	محسوسات	بعنوان مقدمه ای برای بخش معقولات، به اهمیت مراقبت در ورود داده های حسی اشاره دارد.
۶	معقولات	به اهمیت تنظیم درست مبادی فلسفی برای نظامواره علوم انسانی اسلامی، فلسفه مضاف و دسترس به تجربه بر اساس عقل آیین بنیاد اشاره دارد
۷	فوق معقولات	به مزیت نسبی علم حضوری و تجارب شهودی، تاثیر تهذیب نفس و مراقبه و توجه عرفانی و در یک کلام به ضرورت سنخیت افراد با اولیای الهی اشاره دارد. متوجه می شویم که رشد محسوسات و معقولات در انسان باید مقدمه ای برای رسیدن به این بخش باشد. در عین حال که اوجدی از افراد به مقامات در این مرحله دست می یابند اما از قبیل دانشی که از این طریق به دست می آید گاه به تحولات شگرفی در فرد و جامعه می رسیم
۸	شکل گیری جهت تجربه	به قرار گرفتن در اردوی حق و باطل اشاره دارد. این که دانش نمی تواند بدون جهت باشد و این که علم و دین از هم جدایی ناپذیرند و داشتن هر گرایشی، خود دین محسوب می شود و دارای جهتی است؛ و اگر قرار است نظامواره علوم انسانی اسلامی تشکیل گردد به میزانی که این نظامواره در خدمت به اهداف خداوند از خلقت انسان و هستی قرار می گیرد در جهت درست حرکت می نماید.
	کتاب و سنت	شکل هلال اطراف محسوسات، معقولات و فوق معقولات در نمودار یک اشاره به این مطلب دارد که هر سه دانش مذکور، ادراکات خطاپذیر انسان هست. این ادراکات خطاپذیر در معیت کتاب و سنت به بیشترین حد از مصونیت می رسند.
۹	انتخاب تجربه/ ملاک صحت	به اهمیت نیاز شناسی و موضوع شناسی اشاره دارد. اگر تجربه هدفمند، غایتمند، معیارمند، زمانمند و مکانمند است پس لاجرم نیازشناسی و موضوع شناسی را (هم برای نظام علوم و هم برای رشته های علمی) تحت تاثیر قرار می دهد
۱۰	مواجهه با واقعیت (تجربه)	به نحوه حل معضلات اشاره می کند و این که واقعیت موجود باید به سمت واقعیت مطلوب، توسط خواص (حوزه و دانشگاه) حرکت داده شود.
۱۱	تفسیر تجربه/ تفسیر واقعیت غیر مشهود	دین بهترین مفسر تجارب (بیشتر غیر مادی) است که برای ادراکات بشری دیرپاب هستند.
۱۲	اشتداد وجودی به سمت کمال/ انحطاط	برای قرار گرفتن انسان در مسیر صیوروت و برای رسیدن به تمدن اسلامی، علوم انسانی اسلامی باید طرح داشته باشد. علوم انسانی رایج با علوم انسانی اسلامی، کم یا زیاد، زاویه دارد و دلالت ضمنی آن هم توجه به ضرورت تحول علوم انسانی برای ایفای نقش تاریخی خواص (حوزه و دانشگاه) است.